

سینمای جهان



عکس‌ها: gettyimages

کنفرانس خبری «من، دنیل بلیک»، فیلم برنده نخل طلای شصت‌ونهمین دوره جشنواره فیلم «کن»

کن لوچ: به مردم گفته می‌شود فقر تقصیر خودشان است



ساسان کلفر

بیست‌وپنجمین فیلم سینمایی کن لوچ، فیلم‌ساز ۷۹ساله بریتانیایی، سیزدهمین‌مرتبه حضور او را در جشنواره بین‌المللی فیلم کن رقم زد و دومین جایزه نخل طلا را برای او به ارمان آورد. او اولین‌بار ۱۰سال پیش با فیلم «بادی که ساقه‌های جو را تکان می‌دهد» این مرتبه نخل طلای بهترین فیلم پنجاه‌ونهمین دوره جشنواره کن را سال ۲۰۰۶ شد و این‌بار، در دوره شصت‌ونهم با «من، دنیل بلیک» همان جایزه را دریافت کرد. این فیلم‌ساز چهره‌ای انگلیسی با بیش از پنج دهه سابقه کارگردانی آثار سینمایی و تلویزیونی، همچنان نگاه غمخوارانه‌اش را به محروم‌ترین اقشار جامعه دوخته و در فیلم تازه‌اش به انتقاد از شرایط تأمین اجتماعی و نظام بوروکراتیک حاکم بر آن پرداخته است.

در فیلم «من، دنیل بلیک» یک نجار میان‌سال اهل نیوکاسل که به علت ازکارافتادگی برای تأمین یک لقمه نان اسیر سیستم پیچیده بوروکراتیک تأمین اجتماعی شده، به زن جوانی برمی‌خورد که برای تأمین نیاز فرزندانش با مشکل مشابهی دست‌وپنجه نرم می‌کند. کنفرانس مطبوعاتی این فیلم، حدود یک هفته پیش از آنکه نام آن به‌عنوان برنده بزرگ‌ترین جایزه جشنواره فیلم کن ۲۰۱۶ اعلام شود، در تاریخ ۱۳ می(۲۶ اردیبهشت) با حضور کن لوچ، کارگردان، دو بازیو هیلی اسکویاز، بازیگران نقش اصلی، ربکا اوبراین، تهیه‌کننده، روبی رایان، فیلم‌بردار و پل لاورتی، فیلم‌نامه‌نویس «من، دنیل بلیک»، برگزار شد. آنری بیار، منتقد فرانسوی، تاریخ‌نگار هنر و استاد رشته زبان فرانسه که نقش مجری برنامه کنفرانس مطبوعاتی فیلم «من، دنیل بلیک» را در جشنواره کن برعهده داشت، نخستین پرسش را از دو بازیگر درباره خاستگاه و سوابق کار آن دو پرسید. دیو جانز، ایفاگر نقش دنیل بلیک، پاسخ داد که کار خود را به‌عنوان استندآپ کمدین آغاز کرده است و سال‌ها در گمنامی، در باشگاه‌های کمدی ایالات متحده برنامه اجرا کرده و البته این کار برای او «تجربه شگفت‌انگیزی» بوده است. هیلی اسکویاز، بازیگر نقش کیتی، گفت که شش‌سال پیش از مدرسه هنرهای نمایشی فارغ‌التحصیل شده و همیشه تلاش کرده تا در تمرین بازیگری کار کند و هم‌زمان به کار نوشتن نیز مشغول بوده است.

مجری در ادامه سؤال کرد که این دو بازیگر چگونه جذب پروژه «من، دنیل بلیک» شده‌اند. دیو جانز گفت که یکی از دوستان تهیه‌کننده‌اش به او گفته که کن لوچ به‌دنبال بازیگری از نیوکاسل که هم‌سا او باشد، می‌گردد و او گفته است: «ه»، می‌شود من باشم؟» و بعد از طریق سایت اینترنتی خود با تهیه‌کنندگان تماس گرفته است. هیلی اسکویاز توضیح داد که کارگزارش به او تلفن زده و بعد از یک گفت‌وگوی کوتاه ۱۵،۱۰دقیقه‌ای با کن لوچ و مدیر بازیگردانی او که به پرسش‌هایی در مورد زندگی وزادگاه و پدر و مادر و سوابق خانوادگی او گذشت و دو مرتبه تداوت و تمرین بداهه با کارگردان و بازیگران نقش مقابل، بالاخره با تهیه‌کننده در مورد گرفتن نقش به توافق رسید.

آنری بیار این پرسش را از کن لوچ پرسید که آیا به نظر او انتخاب فیلم‌بردار به اندازه انتخاب بازیگر مهم است یا نه. لوچ پاسخ داد: «بله، کاملاً. پیداکردن لحن مناسب برای فیلم خیلی مهم است. برای این خیلی احساس کردیم که داستان خیلی قوی است، بنابراین باید خیلی ساده، صریح و مقتصد باشیم و به هیچ تزئینی نیاز نداریم. این شد که من و روبی (رایان، فیلم‌بردار) که قبلاً با هم کار کرده بودیم (این‌سومین‌مرتبه همکاری این کارگردان و فیلم‌بردار بود)، در مورد سبک کار به این نتیجه رسیدیم که بی‌مطلقاً صریح و بی‌پیرایه و بدون حرکت اضافی یا هرچیزی باشد که حواس تماشاگر را

پرت کند و مانع از دریافت جوهره شخصیت‌های جلو دوربین شود و این موقعیت را به‌سادگی و مقتصدانه تشریح کنیم. برتولت برشت (۱۹۵۶–۱۸۹۸ شاعر، نمایش‌نامه‌نویس و کارگردان آلمانی) جمله‌ای گفته که خیلی خوب است و ما آن را آویزه گوش کردیم و بیش از یک‌مرتبه به کارمان آمد. او گفته است: «من همیشه فکر کرده‌ام که ساده‌ترین وازه‌ها باید کفایت کند و وقتی من بگویم که چیزها شبیه به چه هستند، این کارم قلب همه را خواهد شکست» و به نظرم ما سعی کردیم همین کار را بکنیم، چون اگر می‌گفتیم این مسائل شبیه به چه هستند، نه‌فقط قلبتان را می‌شکستیم، بلکه عصبانی‌تان می‌کردیم».

در پاسخ به پرسشی از گزارشگر تایمز لندن در مورد اینکه لوچ ۵۰سال پیش فیلم تلویزیونی «کتی به خانه برگرد» را برای بی‌بی‌سی در مورد افسراد خانه‌ب‌دوش ساخته و اکنون آیا تکان‌دهنده نیست که بعد از ۵۰سال دوباره به این مضمون بازگشته است، لوچ گفت: «بله، به نظرم تکان‌دهنده است و من فکر می‌کنم این مسئله تکان‌دهنده است، چون مختص مردم کشور ما (بریتانیا) نیست و در سراسر اروپا جریان دارد و اکنون در شیوه سازماندهی زندگی ما بی‌رحمی آگاهانه‌ای وجود دارد که به آسیب‌پذیرترین افراد گفته می‌شود که فقرشان تقصیر خودشان است. اگر کار نداری، تقصیر توست که شغلی پیدا نکردی. بی‌کاری گسترده‌ای در اروپا وجود دارد و در بریتانیا نزدیک به دومیلیون بی‌کار مطلق وجود دارد و درواقع تعداد آنها چهارمیلیون نفر است. این باعث افزایش تعداد خودکشی شده و برخی از کارکنان (تأمین اجتماعی) دستورالعمل‌هایی گرفته‌اند در مورد اینکه چگونه با خودکشی‌های بالقوه برخورد کنند و ما می‌دانیم که این‌وضع همچنان برقرار است و تعداد کمی هم نیست، ده‌هاهزار نفر و صدهاهاز نفر در سراسر اروپا؛ رقم عظیمی است. این عمیقاً تکان‌دهنده است که چنین چیزی در قلب دنیای ما دارد اتفاق می‌افتد. ولی چیزی که ما متوجه شدیم این است که والکنش مردم خیلی انسانی است. آنها می‌توانند خود را با آن تطبیق دهند. ممکن است عمیقاً مایوس شوند و در رنج و ناامیدی فرو بروند و گاهی برای زنده‌ماندن تفرقا کنند. بسیار تأثیربرانگیز است اما در دل همه این رویدادها یک سیاست هولناک نهفته است».

پل لاورتی، نویسنده فیلم‌نامه «من، دنیل بلیک»، این نکته را به گفته‌های کن لوچ افزود که علت انتخاب این شخصیت‌های خاص این بوده که نشان بدهد چه افراد توانا و دارای قابلیت‌های متعددی به این شرایط دچار می‌شوند و چه تحقیری را تحمل می‌کنند و بخش بزرگی از جمعیت درگیر این مسائل می‌شوند. وی گفت: «این یک مسئله اتفاقی نیست، سرنوشت بخش عظیمی از جامعه است».

خبرنگار دیگری از تایمز در این مورد پرسید که چرا فیلم در کن با زیرنویس انگلیسی به نمایش درآمده و



آیا این به‌خاطر لهجه (نیوکاسلی) بازیگران بوده است. ربکا اوبراین، تهیه‌کننده فیلم، توضیح داد که زیرنویس برای بازارهای بین‌المللی بوده، نه برای بریتانیایی‌ها؛ «اگران‌های اینجا را افرادی می‌بینند که زبان اول آنها نه انگلیسی است و نه فرانسه، بنابراین انطباق با این لهجه برای آنها بسیار دشوارتر است. این کار صرفاً برای کمک به تماشاگران در کن بود».

یک گزارشگر تلویزیونی فرانسوی در مورد شیوه کار کن لوچ با بازیگران و نابازیگران و تمرین و بداهه‌سازی پرسید و کارگردان جواب داد: «کار با بازیگران خیلی آسان بود، چون آنها سرشار از تخیل و حساسیت بودند و تنها کاری که ما سعی می‌کردیم انجام بدهیم، این بود که از ابتدا شروع کنیم و فیلم‌برداری را به ترتیب خط سیر داستان انجام بدهیم و فیلم‌نامه خرده‌خرده به بازیگران داده می‌شد. این کار باعث می‌شد که حسی از بداهه به وجود بیاید. اما فیلم‌نامه خیلی دقیق نوشته شده بود و وقتی که فیلم را تا آخر ببینید و با فیلم‌نامه مقایسه کنید، متوجه می‌شوید که خیلی شبیه هستند. اما باید احساس می‌شد که همه‌چیز در لحظه اتفاق می‌افتد. ولی این کار پیچیده‌ای نیست. مثلاً افرادی که می‌بینید در محل تأمین غذا کار می‌کنند، واقعا در آنجا کار می‌کنند. این یک سنت قدیمی نئورئالیستی ایتالیایی است که از مردمی استفاده شد که کار خودشان را می‌کنند. آدم‌هایی هم که در دفتری کار می‌کنند که آنها برای امضا می‌روند، کارمندان همان دفتر هستند. به‌این‌ترتیب سعی کردیم حس واقعیت به وجود بیاوریم ولی بازیگران افرادی هستند که تخیل قوی و ظرفیت زیادی برای زنده‌کردن لحظه دارند و همین ظرفیت آنهاست که باعث می‌شود شما به آنها توجه کنید و سرگرم شوید. من فکر می‌کنم هیلی و دیو واقعیت را بهتر از من درک می‌کنند».

بعد از طرح بحثی از سوی خبرنگار گاردین درباره سیاست داخلی انگلستان و پاسخ کن لوچ در مورد جرمی کوربین، رهبر فعلی حزب کارگر و نماینده پارلمان در جناح اپوزیسیون و تغییرات به‌وجودآمده در یک‌سال گذشته و مسائل ناشی از خصوصی‌سازی در اتحادیه اروپا و روابط با ایالات متحده، پرسش خبرنگار کانادایی روزنامه تورنتواستار در این مورد مطرح شد که کن لوچ چگونه توانسته است در عین حفظ لحن صریح و حس واقعی، لحظات کمیک متعددی را نیز در فیلم بگنجاند و درعین‌حال حس طبیعی آن نیز حس شود. لوچ پاسخ داد: «من فکر می‌کنم این از موقع نوشتن (فیلم‌نامه) شروع شد و به نظر من این‌طور نیست که وقتی داستانی درباره مردم بینوا می‌نویسید، فقط آدم‌های مصیبت‌زده را ببینید. اگر به محل‌های تأمین غذا (ی افراد تحت پوشش تأمین اجتماعی) بروید، خنده و کمدی و کارهای احمقانه و از این‌قبیل چیزها هم می‌بینید و واقعیت زندگی مردم همین است و اگر این حس طنز را از آن جدا کنید، خطا کرده‌اید. مردم همین هستند. ولی این از موقع نوشتن شروع شد.

روزنه

برنده جایزه کارگردانی کن ۲۰۱۶

فرار نخبگان فساد می‌آورد

کریستین مونجیو برای فیلم «فارغ‌التحصیلی» جایزه بهترین کارگردانی شصت‌ونهمین دوره جشنواره کن را به‌طور مشترک با اولویه آسایای فرانسوی سازنده «خریدار شخصی» دریافت کرد. این سومین‌بار بود که مونجیو رومانیایی در بخش رقابتی جشنواره حضور داشت و هر بار یک جایزه گرفت؛ ازجمله نخل طلای سال ۲۰۰۷ برای «۴ ماه، ۳ هفته و ۲ روز» و جایزه بهترین فیلم‌نامه سال ۲۰۱۲ برای «فراسوی تپه‌ها». واکنش‌ها به پنجمین فیلم او عمدتاً مثبت بود.

چرا به داستان پدری که می‌خواهد دخترش را به خارج بفرستد، علاقه‌مند شدید؟

وقتی نگاهی به رومانی بیندازید، مردمی را می‌بینید که ناامیدانه از خود می‌پرسند: «ممکن است اوضاع بهتر شود؟» راه نجات برای بسیاری از پدر و مادرها تحصیلات است. البته ما دربارہ کودکان نخبه با تحصیلات خوب صحبت می‌کنیم. می‌خواستم درباره مرحله‌ای از زندگی بگویم که احساس می‌کنید لازم است درباره فرزندان تصمیم‌بگیرید.

نقش نسل جوان در رومانی چیست؟

سیستم آموزش‌وپرورش ما در رومانی قوی نیست؛ ولی این سیستم در مقیاس کوچک نتایج خوبی دارد؛ یعنی گروه نخبه‌ای از دانش‌آموزان که معلمان به آنها افتخار می‌کنند؛ اما آنها اغلب کشور را ترک می‌کنند تا در خارج از کشور ادامه تحصیل دهند و فقط تعداد کمی برمی‌گردند. این مشکلی است که به معضل فساد در کشور اضافه می‌شود. اگر این‌همه جوانان تحصیل‌کرده را از دست بدهیم، ایجاد تغییرات در کشور بسیار دشوار می‌شود.

فساد هنوز در رومانی یک مسئله رایج است؟

ما به نسلی نیاز داریم که کودکان را به گونه‌ای متفاوت از آنچه ما بار آدمیز، بار بیاورند. در غیراین‌صورت، همچنان به ترویج این طرز تفکر می‌پردازیم که انتخاب روش غیراخلاقی زندگی‌تر راه است. اگر در کشوری زندگی کرده باشید که آزادی فقط ۲۵ سال پیش به آن وارد شده باشد، به مسائل حل‌وفصل‌نشده بسیار برمی‌خورید. مردم صبر و شکیبایی ندارند و می‌خواهند بلافاصله به راه‌حل برسند؛ بنابراین اگر مردم درک نکنند که لازم است روش اخلاقی در پیش بگیرند تا الگوی فرزندان خود باشند، تغییر جامعه کار دشواری خواهد بود.

«فارغ‌التحصیلی» به «روبان سفید» و «پنهان» می‌شاییل هانکه شباهت دارد که آنها نیز با مسائل بنیادی سیاسی- اجتماعی مربوط هستند. این عمدی بوده؟

آگاهانه نبود. من فیلم‌هایم را درباره مسائل زندگی شکل می‌دهم و از فیلم‌های دیگران انگیزه نمی‌گیرم. چون فیلم تفسیری از زندگی است، خوب است که از منبع اصلی گرفته شود تا اصالت داشته باشد. به‌همین‌دلیل من نماها را نمی‌برم؛ چون زندگی یک پیوستار است. نمی‌توانیم چیزهایی را که دوست نداریم یا لحظاتی که از نظرمان مهم نیستند را از بقیه دور ببریم؛ بلکه با همه آنها زندگی می‌کنیم؛ بنابراین من تداوم کامل را به صحنه می‌دهم که شامل لحظه‌های مرده نیز می‌شود. به‌همین‌دلیل از موسیقی استفاده نمی‌کنم تا احساساتی نشویم. به احساسات علاقه دارم که از رویدادهای روزمره استخراج شود.

سبک کارگردانی‌تان را چطور توصیف می‌کنید؟

به عنوان کارگردان، سعی می‌کنم تا جایی که می‌شود، از فیلم غایب باشم؛ مثلاً دوربین را حرکت نمی‌دهم، مگر آنکه شخصیتی را دنبال کند که در نما حرکت می‌کند؛ بنابراین وقتی موقعیتی را به صحنه می‌برم، همیشه از کوریوگرافی پیچیده‌ای استفاده می‌کنم که با این اهداف بخواند.

منبع:اسکرین اینترنشنال.

این هفته روی پرده

سفرهای پرخطر به سوی ناشناخته‌ها

پدیده‌های ناشناخته و سفرهای پرخطر دو مضمون اصلی آثاری است که از امروز با از پس‌فردا، جمعه ۱۴ خرداد به روی پرده می‌روند و در این ستون معرفی شده‌اند. غیر از این فیلم‌ها می‌توان به «من قبل از شما»، «ستاره پاپ»، «اندران»، «متناسب‌ها»، «بسیار آسان است و دروغ‌های دیگر»، «افکاری که یک‌موقع داشتیم»، «ضرورت»، «ندبه» و «شاهد» در فهرست اکران این هفته اشاره کرد.



لاک‌پشت‌های جهش‌یافته نینجا: خروج از سایه‌ها

Teenage Mutant Ninja Turtles: Out of the Shadows

محصول تازه پارامونت پیکچرز و شرکا برای نوجوانان که در آغاز فصل اکران فیلم‌های پرخرج اکشن به روی پرده می‌رود، دنباله‌ای است بر فیلم «لاک‌پشت‌های جهش‌یافته نینجا» محصول ۲۰۱۴ با بازی لورا لینی، مکان فاکس، تایلر پری و ویل آرنت. این فیلم علمی-تخیلی، فانتزی، کمدی را دیو گرین کارگردانی کرده است. در این داستان لاک‌پشت‌ها برمی‌گردند تا شهر را از خطری که تهدیدش می‌کند، نجات دهند. زمان نمایش فیلم ۱۱۲ دقیقه و درجه‌بندی سنی آن PG-13 است.



نزدیک‌شدن به ناشناخته
Approaching the Unknown
قهرمان این درام دلهره‌آور علمی-تخیلی، کاپیتان ویلیام استفورت (مارک استرانگ) در یک مأموریت یک‌نفره و یک‌طرفه، اولین قدم بشریتی را به سمت استعمار سیاره مریخ برمی‌دارد. با آنکه تمام دنیا چشم به او دوخته، او کاملاً تنها در فضایی تاریک و پرستاره به راه خود ادامه می‌دهد. موشک او با مسائل مختلفی روبرو می‌شود و او مجبور است در شرایطی که جان و سلامت عقلش در خطر است، تصمیم‌های درست بگیرد. فیلم را مارک ایلیا رزنبرگ کارگردانی کرده است و لوک ویلسن، سونا لاتان و چارلز بیکر از دیگر بازیگرانش هستند.



استاد نهایی
The Final Master
فیلم اکشن رزمی «استاد نهایی» محصول کشور چین به کارگردانی زو هائوفنگ به سفر بلندپروازانه استاد دشتیوینگ چان برای افتتاح مدرسه هنرهای رزمی در شمال آن سرزمین می‌پردازد که برای تحقق آرزوی استادش در بستر مرگ اقدام به این کار می‌کند و شاگردان خود را به شکل مخفیانه به هشت مدرسه هنرهای رزمی می‌فرستد تا مبارزه کنند. آنچه او نمی‌داند، این است که خودش صرفاً یک سرباز پیاده در شطرنج قدرت میان مدارس هنرهای رزمی است. فن لیاو، جیا سونگ و ونلی جیانگ از بازیگران فیلم هستند.



گوروکولام
Gurukulam
درام مستند گوروکولام محصول مشترک ایالات متحده آمریکا و کانادا به کارگردانی جلیان الیزابت و نیل دالال به یک گروه از دانش‌آموزان و معلم آنها می‌پردازد که در مکانی دورافتاده می‌پردازد و درستی را هدف‌های موجود را می‌آزماید. فیلم‌ساز از پرسش‌هایی مطرح می‌کنند. مسائل مختلفی که افراد این گروه در بستر تصاویر زیبا و مناظر چشم‌نواز که فضایی برای تفکر و تعمق بر زبان می‌آورند، تماشاگر را با عمق اندیشه شرقی آشنا می‌کند. زمان نمایش این مستند ۱۰۸ دقیقه است.



زمان انتخاب
Timeto Choose
مستند محیط‌زیستی «زمان انتخاب» به کارگردانی چارلز فرگوسن که قبلاً برنده جایزه اسکار در رشته مستند شده است، به بررسی وسیع و همه‌جانبه‌ای در مورد بحران تغییرات آب‌وهوایی می‌پردازد و درستی را هدف‌های موجود را می‌آزماید. فیلم‌ساز از طریق مصاحبه با کارآفرینان مشهور جهان، مخترعان، رهبران فکری و افراد شجاعی که در خط مقدم تغییرات آب‌وهوایی فعالیت می‌کنند، تماشاگران را به نگاهی عمیق به افرادی که برای نجات سیاره ما کوشش می‌کنند، وامی‌دارد. زمان نمایش این مستند ۱۰۰ دقیقه‌است.